ترانهای قبل از اسلام

اطلاعات ما در بارهٔ ترانهای قبل از اسلام بسیار محدود است . چه :

اولا : آثار قبل از اسلام ایران از دست رفته و جز اوراق پراکنده‌ای از آنها باقی نمانده

ثانیاً : در قسمتهای موجود چون غالباً بخط **پهلوی** نوشته شده و این خط از نظر فنی دارای اشکالات فراوانست خواندن آن به‌آسانی امکان پذیر نیست و تلفظ صحیح کلماترا نمیتوان دریافت و کوششهائیهم که در این باره شده و میشود ازحدود تقریب خارج نیست .

ثالثاً : آنقسمت هم که بخط **اوستائی** موجود است با اینکه این خط نسبتاً کامل و خواندن آن آسان است باز در پاره‌ای صداها تلفظ صحیح و قدیمی آن بر ما مجهول است و نمیتوانیم بطور قطع حکم کنیم که آنچه را فعلا میخوانیم از حیث تلفظ با آنچه در قدیم معمول بوده یکی است یا نه ؟

از همهٔ اینها گذشته بر فرض که ما بتوانیم کلماترا بهمان تلفظ صحیح وقدیمی خود بخوانیم باز یك اشکال باقی میماند و آن اینکه در ترانهای قبل از اسلام محل تکیه و محل وقفه بارز را نمیتوان از روی نوشته کاملا تعیین کرد چه این امر تا حدزیادی بستگی بخواندن دارد و تا ترانه‌ای بوسیلهٔ اهلش خوانده نشود نمیتوان محل تکیه ها و وقفه بارز را کاملا مشخص نمود . با همه این اشکالات تنها یك نقطهٔ امید برای ما موجود است و آن وجود ترانهای محلی است که تا حدی ممکن است ما را بمشخصات ترانها قبل از اسلام رهنمائی کند و بر فرض که کاملا نتوانیم محل تکیه‌ها را در اشعار قبل از اسلام تعیین کنیم حد اقل برای ما امکان پذیر است که به تقریب حدود تکیه‌ها را مشخص نموده و با توجه بوضع کلمات محل وقفهٔ بارز را نشان دهیم .

بنا بر این قسمتی از اشعار قبل از اسلام ایران را که بدان دسترسی بود مورد بررسی قرار میدهم و قبل از شروع مقصود باید یادآور شوم که اشعار قبل از اسلام از نظر کلی بسه دستهٔ مشخص تقسیم میشود :

۱ ـ آثار اوستائی ۲ ـ آثار پهلوی ۳ ـ آثار مانوی

۱ - آثار اوستائی

اشعاریکه درکتاب مقدس اوستا آمده دو نوع است : یکی آنها که مربوط **بگاتها** است و قدیمی ترین شعر ایرانی بشمار میرود .

دیگر اشعاریکه در **یشتها** آمده و از حیث زمان نسبت **بگاتها** متاخراست

الف - گاتها (۱) اشعار گاتها بسته بقسمتهای مختلف آن از نظر وزن دارای مشخصات زیر است :

۱ - اهنود گاتها - شامل قطعات سه‌مصراعی است که هر مصراع دارای ۱٦ هجا میباشد و وقفهٔ آن پس از هجای هفتم واقع شده و به نسبت **۷و۹** تقسیم‌میشود و فاصلهٔ بین دو شطر ۳ هجا است

۲- اشتودگاتها -دارای قطعات پنج‌مصراعی‌است که‌هرمصراع ۱۱هجا داردووقفه‌بازز پس ازهجای چهارم‌واقع‌است وبه‌نسبت**۷و۴** تقسیم شده‌و فاصله بین‌دوشطر آن سه‌هجا است

۳ - سپنتمد گات - شامل قطعات چهار مصراعی است که هر مصراع ۱۱ هجا دارد و وقفهٔ آن پس از هجای هفتم استو به نسبت **۷و۴** تقسیم شده‌و فاصلهٔ بین دو شطر ۳ هجا است .

۴ - وهوخشتر - دارای قطعات سه مصراعی است و هر مصراع ١٤ هجا دارد و وقفه پس‌از هجای هفتم است و به‌نسبت **۷و۷** تقسیم شده و دوشطر آن متساوی است

۵ - وهیشتوا - دارای قطعات چهار مصراعی است که دو مصراع کوتاه ودو مصراع بلند است : مصراعهای کوتاه هرکدام ۱۲ هجا دارند و وقفهٔ آنها پس از هجای هفتم است و به‌نسبت **۷و۵** تقسیم میشوند .

مصراعهای بلند دارای ۱۹ هجا و دارای دو وقفه است یکی پس از هجای هفتم و دیگری پس از هجای چهاردهم (۷+۷+۵) و بنا براین مرکب از دو شعر ۱۲ هجائی (۷+۵) و پنج هجائی است ولی چون مصراعهای کوتاه این قسمت از اوستاء ۱۲ هجائی است بنظر ما این اشعار نیز ۱۲ هجائی‌است که شطر هفت‌هجائی آن تکرار شده چنانکه هم‌اکنون نیز در نقاط جنوبی ایران گاهی در ۱۱ هجائیهای

---

(۱)- برای‌اوزان گاتها.رك: گاتها تفسیر پورداود‌ازص٦۱تا٦۸

قهلوی یکشطر یا قسمتی از آنرا تکرار میکنند (۱)

با وجود این قرائن میتوان تصور کرد که شعر ۱۹ هجائی موجود در گاتها با دو وقفه در واقع ترکیبی است از یك ۱۲ هجائی باشطر هفت هجائی آن (؟)

☆ ☆ ☆

در هر حال از بررسی در اوزان **گاتها** کلیات زیر بدست میآید:

اول ـ در عهد گاتها ترانهای یکوقفه‌ای از ۱٦ هجا تجاوز نمیکرده

دوم ـ در ترکیب اشعار موجود گاتها شطرهای ٤ ، ٥ ، ٦ ، ۷ و ۹ هجائی وجود دارد و طبعاً شطرهای ٦ و ۸ هجائی نیز موجود بوده و اگر ۳ هجائی را کوتاهترین شطر شعر گاتها بدانیم بلندترین شطرها ۹ هجائی خواهد بود

سوم ـ در ترانهای زوج عهد گاتها یا دو شطر متساویند (مانند ۷+۷) و یا یك شطر دو هجا بر دیگری عـلاوه دارد (مانند ۷+٥ یا برعکس ۷+٥) و در ترانهای فرد موجود تفاوت بین دوشطر ۳ هجا است (مانند ۷+٤ یا برعکس) و طبعاً تفاوت یکهجا نیز وجود داشته و آنچه این نظر را تأیید میکند وجود شطرهای **۴ و ۵** هجائی است که اگر باهم ترکیب شوند تفاوت بین دو شطر یکهجا خواهد بود (؟)

چهارم ـ با در نظر گرفتن وضع ترانهای هجائی اگر بسیاق موجود در اشعار گاتها (با رعایت فاصله‌های مذکور بین دو شطر) از شطر چهار هجائی بطرف شطر نه هجائی حرکت کنیم جدولهای زیر بدست میآید:

جدول اول : دو شطر مساوی

٤ هجا + ٤ هجا = ۸ هجائی

٥ « + ٥ « = ۱۰ «

٦ « + ٦ « = ۱۲ «

۷ « + ۷ « = ۱٤ «

۸ « + ۸ « = ۱٦ »

---

(۱)ـ رك : بخش۱ همین کتاب ص

جدول دوم تفاوت یکهجا

٤ هجا + ٥ هجا یا برعکس = ۹ هجائی
٥ « + ٦ « « « = ۱۱ «
٦ « + ۷ « « « = ۱۳ «
۷ » + ۸ « « « = ۱٥ «

جدول سوم تفاوت دو هجا

٤ هجا + ٦ هجا یا برعکس = ۱۰ هجائی
٥ « + ۷ « « « = ۱۲ «
٦ « + ۸ « « « = ۱٤ «
۷ « + ۹ « « » = ۱٦ «

جدول چهارم تفاوت سه هجا

٤ هجا + ۷ هجا یا برعکس = ۱۱ هجائی
٥ « + ۸ « « « = ۱۳ «
٦ « + ۹ « « « = ۱٥ «

جدولهای فوق بما امکان میدهد که تصور کنیم درعهدگاتها اشعار یکوقفه‌ای از ۸ هجائی شروع و به ۱٦ هجائی ختم شده و بطور کلی ۹ وزن یکوقفه‌ای (۸ ، ۹، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ ، ۱٥ و ۱٦ هجائی) موجود بوده که **٥ وزن** آن زوج (۷ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۱٤ و ۱٦) و **٤ وزن** فرد (۹ ، ۱۱ ، ۱۳ و ۱٥) میباشد ،

دراشعار زوج یا دوشطر متساوی بوده ویا یکی دوهجا علاوه داشته و دراشعار فرد پیوسته تفاوت بین دو شطر ۱ یا ۳ هجا بوده و چون از کوتاهترین (۸هجائی) و بلندترین (۱٦ هجائی) شعر یکوقفه‌ای عهد گاتها معدل بگیریم حدوسط **۱۲** است زیرا ($۱۲ = \frac{۱٦+۸}{۲}$) و معلوم میشود که درآنعهد ۱۲ هجائی رواج کامل داشته و اشعار موجود در گاتها نیز این مطلب را تأیید میکنند زیرا بطوریکه دیدیم بیشتر اشعار گاتها ۱۲ هجائی و **۱۱** هجائی میباشند (؟)

پنجم - هماهنگی مشخصات مذکور با مشخصات ترانهای فعلی (١) بما اجازه میدهد که تصور کنیم در وزن شعر عهد گاتها نیز مانند ترانهای امروز پایه‌های یکهجائی و دو هجائی و سه‌هجائی بوده چه با اینکه کلمات بمرور زمان تراشیده شده اند خاصیت اصلی زبان ایرانی که از شعب السنه آریائی است از دست نرفته و در قدیم‌هم مانند امروز کلمات درحال افراد یکهجائی و دو هجائی و سه هجائی بوده‌اند و اگر در اوستا بکلمات طولانی بر میخوریم باید متوجه باشیم که این قبیل کلمات مرکبند نه بسیط، بنا بر این اشعار اوستائی که از آن کلمات ترکیب یافته نیز باید بپایهای یکهجائی ، دو هجائی و سه‌هجائی تقسیم شوند (:)

ششم - با فرض مذکور در فوق فاصله دو تکیه در اشعار عهد گاتها از دو هجا متجاوز نیست وچون **حد وسط پایه دو هجا است** برای هرتکیه باید دو هجامنظور شود باینطریق مثلا در شعر ١٦ هجائی که بلندترین اشعار یك وقفه‌ای گاتها است بیش از هشت تکیه نمیتواند وجود داشته باشد (زیرا $\frac{١٦}{٢} = ٨$) و در شعرهشت هجائی که کوتاهترین شعر اوستائی است نیز بطور معمول چهار تکیه میتوان در نظر گرفت بنا براین در اشعار یکوقفه‌ای حد اقل ٤ تکیه و حد اکثر آن ٨ است و چون حد وسط تکیه را در نظر بگیریم عدد ٦ بدست میآید (زیرا $\frac{٨+٤}{٢} = ٦$ **بنا بر این در اشعار عهد گاتها حد وسط تکیه ٦ و به تبع آن ٥و٧ بوده** و بیشتر اشعار موجود گاتها نیز همین نظر را تأئید میکند زیرا چنانکه دیدیم اکثریت در گاتها با اشعار ١١، ١٢ و١٤ هجائی است که بترتیب میتواند ٥ و ٦ یا ٨ تکیه داشته باشد زیرا $\frac{١١-١}{٢} = ٥$
یا $\frac{١١+١}{٢} = ٦$ و $\frac{١٢-٢}{٢} = ٥$ یا $\frac{١٢}{٢} = ٦$ و $\frac{١٤-٢}{٢} = ٦$ یا $\frac{١٤}{٢} = ٧$ (٢)

تذکر - در پایان این قسمت باید یادآور شوم که اگر چه اشعار عهد گاتها ازحیث تکیه و هجا وضعی مشابه ترانهای امروزه را داشته اند نمیتوان یقین حاصل کرد که

---

(١) - رك : بخش اول فصل سوم همین رساله
(٢) - رك بخش اول فصل چهارم همین رساله

توازن کامل میان پایه‌ها موجود بوده و بنا بر این بصحت نزدیکتر است که تصور کنیم کمیت هجا مورد توجه نبوده وتنها محل تکیه‌ها رعایت میشده است (!)

ب - اشعار یشتها - پس از گاتها اشعار یشتها قدیمترین شعر ایرانی بشمار میرود در یشتها سه وزن موجود است : هشت هجائی ، ده هجائی و دوازده هجائی . (١)

در اشعار هشت‌هجاهی گاهی وقفه در وسط واقع‌شده و به‌نسبت(٤+٤)تقسیم میشود و گاهی وقفه پس از هجای پنجم است و به نسبت (٣+٥) تقسیم شده و گاهی بر عکس وزن فوق وقفه پس از هجای سوم میباشد و به‌نسبت (٥+٣) تقسیم‌شده و نیز بندرت وقفه پس از هجا دوم ونسبت (٦+٢) دیده میشود .

اشعار ده هجائی نیز دارای دو صورتند در یکقسمت دو شطر متساوی هستند (٥ + ٥) ودر قسمت دیگر وقـفه پس‌از هجای چهارم است یعنی به نسبت ٦ + ٤ تقسیم میشوند .

اشعار ١٢ هجائی عموماً دارای دووقفه میباشند یکی پس‌ازهجای سوم ودیگری پس از هجای هشتم (٤+٥+٣) یا پس‌از هجای چهارم و هشتم (٤+٤+٤)یا پس از هجای پنجم و هشتم (٤+٣+٥)

و از مقایسهٔ اشکال ١٢هجائی باهشت‌هجائی یشتها این نتیجه بدست میآید که اشعار ١٢ هجائی چون دارای دو وقفه میباشند در واقع هشت هجائی‌هائی هستند که چهار هجائی بر آنها افزوده شده (یعنی ٤+(٣+٥) یا٤ +(٤+٤) یا ٤ +(٥+٣)

وآنچه این نظر را تأئید میکنند اینستکه بیشتر اشعار یشتها هشت هجائی هستنـد (!)

و این روش تکرار شطر چنانکه قبلا اشاره شد هنوز در ایران معمول‌است

در هر حال از بررسی در اوزان یشتها کلیات زیر بدست میآید :

اول - از نظر کلی در اشعار یکوقفه‌ای زوج یا دوشطر متساویند (مانند٥+٥ یا ٤+٤) و یا یکشطر دوهجا علاوه دارد (مانند ٥+٣ یا ٣+٥) وشکل (٦+٢)چون

---

(١)-برای اوزان یشتها رجوع‌شود به‌یشتها تفسیر پورداود جلداول صفحه ٢٢و٢٣

نادر است نمیتواند میزان حکم کلی واقع شود و باید آنرا از موارد استثنائی شمرد (وممکن‌هم‌هست درتشخیص تسامحی رویداده باشد)

در اشعار فرد فاصله بین دوشطر معلوم نیست ولی از نظر اصول نمیتواند از یك یاسه هجا خارج باشد چه وجود شطر های ٤ و ٥ هجائی با ۳و٦ هجائی نشان میدهد که اگر دوبدو بترتیب با هم ترکیب شوند فاصلهٔ بین دو شطرشان یك یاسه‌هجا خواهد بود (؟)

دوم ـ در اشعار یشتها کوتاهتر از ۸ هجائی و بلندتر از ۱۲ هجائی وجود ندارد ولی قرینه نشان میدهد که امکان وجود اشعارکوتاهتر از ۸ هجائی نیز موجود است زیرا در ترکیب (۲+٦) کوتاهترین شطر دو هجائی است همچنانکه بلندترین شطر نیز ٦ هجائی میباشد و چون شطرهای ۳ ، ٤ و ٥ هجائی هم موجود است ، بنا براین قاعدتاً اوزانی که شطر آنها از دو هجا شروع شده و به ٦ هجا ختم شوند در عهد یشتها وجود داشته و از نظر اصول هجائی تابع ترتیب زیر میباشند :

تساوی دو شطر

شطر اول	شطر دوم	ترانه
۲ هجا	۲ هجا	= ٤ هجائی
۳ «	۳ «	= ٦ «
٤ «	٤ «	= ۸ «
٥ «	٥ «	= ۱۰ «
٦ «	٦ «	= ۱۲ «

۲ ـ تفاوت ۱ هجا

شطر اول	شطر دوم	ترانه
۲ هجا	۳ هجا یا برعکس	= ٥ هجائی
۳ «	٤ « « «	= ۷ «
٤ «	٥ « « «	= ۹ «
٥ «	٦ « « «	= ۱۱ «

۳ ـ تفاوت دو هجا

شطر اول	شطر دوم	ترانه
۲ هجا	٤ هجا یا برعکس =	٦ هجائی
۳ «	٥ « « =	۸ «
٤ «	٦ « « =	۱۰ «

۴ ـ تفاوت سه هجا

شطر اول	شطر دوم	ترانه
۲ هجا	٥ هجا یا برعکس =	۷ هجائی
۳ «	٦ « « « =	۹ «

از توجه بجدولهای فوق میتوان تصور کرد که درعهد یشتها ترانهای یکوقفه‌ای از ٤هجائی شروع و به ۱۲هجائی ختم میشده وجمعاً دارای۹وزن بوده (٤، ٥، ٦، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱و ۱۲ هجائی) که ٥ وزن آن زوج (٤ ، ٦ ، ۸ ، ۱۰ و ۱۲ هجائی) و ٤ وزن فرد (٥ ، ۷ ، ۹ و ۱۱ هجائی)میباشد **ودراشعار زوج یادوشطر متساوی است ویایکشطردو هجابردیگری تفاوت داردودر اشعارفرد پیوسته این تفاوت یك یاسه هجااست(؟)**

و چون از کوتاهترین و بلندترین ترانها معدل بگیریم عدد ۸ بدست میآید (زیرا $۸ = \frac{۱۲ + ٤}{۲}$) که نشان میدهد **۸ هجائی رائج‌ترین ترانهای آنعهد بوده** و اشعار موجود دریشتها نیز این نظریه‌را تأئید میکنند (؟)

سوم ـ وزن اشعار یشتها نیز مانند امروزه بپایه‌های یك ودو وسه‌هجائی تجزیه میشده وبنا براین حد وسط پایه‌دو هجا بوده و فاصلهٔ بین دو تکیه از دوهجا تجاوز نمیکرده

چهارم ـ در اشعار عهد یشتها حد اقل تکیه۲ (زیرا $۲ = \frac{٤}{۲}$) و حد اکثر ٦ تکیه بوده($٦ = \frac{۱۲}{۲}$)و چون از حد اقل و اکثر معدل بگیریم معلوم میشود که **رایج‌ترین ترانها در عهد یشتها آنهائی بوده که ۴ تکیه** ($٤ = \frac{۲ + ٦}{۲}$) **و به تبع آن**

۳ یا ۵ تکیه داشته‌اندو بیشتر اشعار یشتها نیز این نظریه را تأئید میکند (زیرا ۳ تکیه = $\frac{۸-۲}{۲}$ یا ۴ تکیه = $\frac{۸}{۲}$ و ۴ تکیه = $\frac{۱۰-۲}{۲}$ یا ۵ تکیه = $\frac{۱۰}{۲}$)

مقایسه - از مقایسهٔ اشعار گاتها و یشتها این نتیجه برای ما حاصل میشود که :

در عهد یشتها اشعار کوتاهتر مطلوب بوده و شعر بلندتر از ۱۲ هجائی را نمیپسندیده اند در صورتیکه در عهد گاتها شعر ۱۶ هجائی وجود داشته و حتی در اشعار مختلط به ۱۹ هجائی نیز برمیخوریم، همچنین **شعر** کوتاهتر از هشت هجائی که در عهد گاتها معمول نبوده در اینروره معمول شده و در عوض ۱۲ هجائی که در دورهٔ گاتها رواج کامل داشته جای خود را به هشت هجائی داده و کلیه این تغیرات میرساند که بمرور زمان اصلاحاتی در شعر روی داده واز تعداد هجا و تکیه کاسته‌اند و نیزدر این دوره توازن پایها بیشتر از سابق رعایت میشده چنانکه اشعار یشتها موید آنست

مثلا این شعر هشت هجائی :

tam amawàtəm yazatəm (۱) - ◡ ◡ —̇ — ◡ ◡ —̇
süràm dämöhu sàvştəm —̇ ◡ — —̇ —̇ ◡ —̇ ◡
methrömyazäy zaothräywö —̇ — —̇ ◡̇ ◡ —̇ —

ملاحظه میشود که در عموم محل تکیه دوم وچهارم یکی است (!)

درپایان باید یادآور شد که از عهد یشتها بعد در تعداد هجا و تکیه دیگر اصلاحی صورت نگرفته و بطوریکه ملاحظه میکنیم امروزه نیز در ترانهای محلی همان وضعیت موجود است و ترانهای رایج ۳و۴و۵ تکیه‌ای هستند .

درهرحال بحث فوق اگرچه از نظر واقع بینی ارزش عملی برای ماندارد حداقل این اطمینان را بما میدهد که مشخصات اصلی در ترانهای محلی میراث عهد باستانی ایران بوده و از نظر کلی همان مشخصاتی است که در عهد اوستائی وجود داشته‌و اگر نسبت بعهد یشتها تغیری در ترانها حاصل شده از نظر تعداد هجا وتکیه نیست بلکه از نظر توازن و تناسب پایه ها میباشد که آنرا از صورت بدوی شعر هجائی دورو بشعر عروضی نزدیك ساخته ؟

---

(۱) - فقرهٔ ششم مهریشت

۳ ـ آثار پهلوی.

اشعاری را که در زبان پهلوی موجود است میتوان بدو دسته تقسیم نمود یکی آنقسمت که از عهد ساسانیان یا اشکانیان باقی مانده و عبارتست از منظومهٔ درخت آسوریک. دیگر آنقسمت که نزدیک بقرون اولیهٔ اسلام نوشته شده و در درجهٔ دوم اهمیت واقع است و باید هر یک از این دو قسمت جداگانه مورد توجه قرار گیرد :

الف ـ درخت آسوریک : رساله‌ای از آثار پهلوی شمالی در دست است که شعر با قافیه بوده ولی بمرور زمان بوسیلهٔ نساخ و ورود کلمات تفسیری در متن دچار تحریف شده و صورت نظمی خود را از دست داده بصوریکه مصراعهای ۵ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۶ و ۱۹ هجائی در آن دیده میشود.

بنونیست ـ خاور شناس معروف بیست سال قبل در صدد برآمد کلمات الحاقیرا که بعقیده او و بموجب موازین زبانشناسی در دورهٔ ساسانیان بمتن اشکانی افزوده شده ازآن خارج سازد و باین طریق تا حدی موفق شد که صورت منظومی برساله بخشیده و آنرا به شعر ۱۲ و به تبع ۱۱ و ۱۳ هجائی برگرداند (۱)

ولی پرفسور **و . ب هنینگ** ایرانشناس آلمانی معتقد است که این عمل **بنونیست** خالی از فائده بوده زیرا در این راه دو مانع وجود دارد یکی غفلت و عدم توجه کافی نسخه نویسان که خواننده را ناگزیر بحدس و احتمال وادار میسازد و الحاق یا حذف کلماتی مانند « و » یا حرف اضافه بنا بسلیقه و دلخواه کاتب کافیست که تعادل اوزانرا بهم زند

اشکال دوم اینکه تاریخ تصنیف این اشعار معین نیست و بنا براین نمیتوان معلوم کرد که تلفظ حقیقی کلمات در اصل چه بوده (۲)

اگرچه ایرادات فوق وارد است ولی تأسف اینجاست که تحقیق خود آقای **هنینگ** در بارهٔ درخت آسوریک نیز در معرض همین ایرادات است زیرا نسخه‌ای را

---

(۱) ـ رك : تحقیق انتقادی ص۱۷

(۲) ـ برای اطلاع از ایرادات هنینگ به مجلهٔ مهر سال هشتم شمارهٔ دوم صفحات ۷۹ـ۸۰ رجوع شود

هم او مأخذ کار خود قرار داده و اشعاری از آن برای اثبات نظریهٔ خود آورده (١) بوسیلهٔ همین نساخ تهیه شده و از دستبرد محفوظ نمانده و اما اینکه تاریخ تصنیف معلوم نیست باید گفت که بر فرض معلوم بودن نارهٔ کمکی بمقصود نمیکرد چه تنها زمان عامل تغییر کلمات نیست بلکه مکان نیز در این امر دخالت دارد بطوریکه همین امروزه کلمات در لهجه‌های نواحی مختلف دارای اشکال گوناگون است و می‌بینیم که مکان موجب این اختلاف شده

وضع حاضر بما اجازه میدهد که‌حکم کنیم درقدیم نیز تلفظ کلمات درمحلهای مختلف یکسان نبوده و مانند امروز هریك از نقط کشور لهجه‌ای خاص داشته

با این مقدمه وقتی ما میتوانیم تلفظ صحیح کلمه‌ایرا تعیین کنیم که اولا بدانیم در چه زمان و ثانیاً در کدام نقطهٔ بخصوص از ایران نوشته شده و نیز آگاه باشیم که در آن نقطه آن کلمه چگونه تلفظ میشده و درخت آسوریك چون به تحقیق معلوم نیست در کدام یك‌از مناطق پهلوی‌شمالی نوشته شده بر فرض که زمان‌آنرا هم میدانستیم امکان نداشت بتوانیم بدرستی تلفظ کلمات را تعیین کنیم

با این مقدمات جای انکار نیست که کوشش **بنونیست** و همچنین خود آقای **هنینگ** خالی از ایراد نیست و آنچه گفته‌اند از حدود حدس و تقریب تجاوز نمیکند

بنا بـراین اگر راهـی برای تحقیق در بارهٔ وزن این قبیل آثار موجود باشد بنظر من همان راه جستجو از طریق ترانهای محلی است که از قدیم موقعیت خود را در میان تودهای صحرا گرد ایرانی حفظ کرده و کمتر دستخوش انقلاب شده

ما میتوانیم موقعیکه بیك شعر پهلوی بر میخوریم (باقطع نظر از هرتغییری که درآن را یافته) آنرا با میزان ترانهای‌محلی بسنجیم؛ چون مشخصات هجائی آنها کما بیش همانهائیستکه در قدیم بوده این عمل بما امکان میدهـد که وزن آن شعر پهلویرا بتقریب تعیین کنیم . بنابر این روش بنونیست و**هنینك** در منظومهٔ درخت آسوریك اگر چه قانع کننده نیست حد اقل این فائده را داردکه در تعیین وزن آن منظومه

---

(١) - نظریه‌او اینستکه‌مبنای‌وزن‌درخت‌آسوریك بر تکیه‌قراردارد

بما کمك میدهد مخصوصاً که پرفسور هنینك در روش خود بیك اصل قطعی که همان وجود تکیه (در اوزان منظومهٔ درخت آسوریك) میباشد پی برده (رك : مجلهٔ مهر سال هشتم ص۸۰) و این همان اصلی است که در ترانهای محلی موجود است .

بنا بر این با پذیرفتن اصل تکیه (روش هنینك) و استفاده از کوششهای **بنوینست** و مقایسهٔ اشعار درخت آسوریك با اوزان ترانها ممکن است وزن منظومه را مشخص ساخت و برای این منظور برطبق اصول زیر ناگزیر بقبول اصلاحاتی میباشیم :

۱ ــ اگر کلمه‌ای برای افادهٔ معنی وجودش الزامی نباشد و با حذف آن خللی بمعنی وارد نشود در صورت لزوم قابل حذف است .

۲ ــ اگر حذف کلمه‌ای برای افاده معنی مفید یا لازم بنظر آمددر مورد لزوم حذف شود .

۳ ــهرگاه کلمه‌ای در موارد مشابه‌از متن ذکریاحذف‌شده مانعی ندارد که‌در موردی بخصوص ذکر یا حذف شود .

٤ ــ اگر از تغییر محل کلمه ای باسلوب کلام یا معنی خللی وارد نشود وازتغییر آن وزن حاصل شود ممکن است آن تغییررا مجاز شمرد

٥ ــ تغییرات مذکور وقتی مجاز است که بوسیلهٔ آنها قسمت عمده ازرساله‌به‌یکوزن برگردد و آن وزنهم از اوزان رائج ایران باشد !

با تمام این احوال من مدعی نیستم که آنچه را دریافته ام کاملا عین واقع است و هیچگونه خدشه‌ای در آن راه ندارد ، بلکه ممکن است در روش خود دچار اشتباهاتی نیزبشوم ولی آنچه برایم مسلم است اینکه این روش اگر تمام حقیقت نباشد لا اقل تا حد زیادی بحقیقت نزدیك است، نکته دیگر اینکه من سعی ندارم تمام‌اشعار منظومهٔ درخت آسوریك را بصورت وزن بر گردانم بلکه همینقدر که بیشتر اشعار صورت موزون پیدا کرد برای اثبات مدعا کافی است واصلاح تمام منظومه‌را با همه اشکالاتی که در اینراه موجود است بآیندگان وامیگذارم .

اینك قسمتی از اشعاریراکه پرفسورهنینك برای نشان‌دادن محل تکیه‌بآنها

استشهاد کرده در اینجا مورد بررسی قرار میدهم مأخذ من ترجمهٔ ایستکه ازمقالهٔ آقای هنینك که بوسیلهٔ **دکتر عبداله فریار** بعمل آمده(۱) و شمارههای ردیف او نیز عیناً در مقابل اشعار در داخل پرانتز نقل شده وهر جا چیزی افزوده‌ام آنرا در متن داخل پرانتز آورده و توضیحات لازم را در ذیل همان شعر ذکر نموده‌ام

اشعاریکه آقای **هنینك** آورده عبارتند از ۱٤ و ۱۳ ، ۱۲ ، ۱۱ و ۱۰ و بندرت ۸ هجائی و همچو بنظر میرسد که اصل رساله ۱۲هجائی بوده و اشعار ۱۱و۱۳ هجائی به تبع آن آمده ولی در اشعار ۱٤،۱۰و۸ هجائی تصرفاتی روی داده است (؟)

بنا براین با فرض ۱۲ هجائی بودن منظومه آنرا مورد آزمایش قرارمیدهم :

اشعار ۱۲ هجائی بطوریکه در بخش اول یادآور شدم در صورتیکه دارای یکوقفه باشند از دو شکل خارج نیست :

۱ ــ دو شطر متساوی

۲ ــ فاصلهٔ بین دوشطر دو هجا و به نسبت (۷و٥یا٥و۷)

توجه باشعار درخت آسوریك نشان میدهد که این اشعار از نوع دوم است و **وقفهٔ بارز** در آنها پس از هجای هفتم واقع شده و فاصلهٔ بین دو شطر ازدوهجا تجاوز نمیکند و آنچه این نظریه را تأئید میکند غالب اشعاریست که آقای هنینك در ردش خود برای تعیین محل سکته بآنها استشهاد کرده است (۲) ،مثلا شعراول :

درختی رستت تراو شهر آسوریك

وضع آهنگ نشان میدهد که پس از هجای هفتم وقفه‌ای موجود است وشطر اول « درختی رستت تراو » دارای هفت و شطر دوم « شهر آسوریك » دارای پنج هجا میباشد و اما از حیث تکیه همچو بنظر میرسد که این شعر دارای ٦ تکیه (سه درشطر اول وسه در شطردوم) میباشد (٦ = $\frac{۱۲}{۲}$) و بنا بر این بشش پایه تقسیم میشود :

درشطراول:۱ ⏑ – –́ = درختی . ۲ – –́ = رست است . ۳ ⏑ –́ = تراو

---

(۱) ـ رك : مجله‌مهرسال‌هشتم‌ص۸۰

(۲) ـ رك : همان مجله

در شطر دوم : ٤ – –́ = شهر   ٥ ⏑ –́ = آسو .   ٦ – –́ = ریك

بنا بر این محل تکیه‌های شش گانهٔ این شعر به ترتیب باید روی هجای سوم ، پنجم ، هفتم ، ، نهم ، یازدهم و دوازدهم واقع‌شده باشد و بنظر من دارای ین وزن است :

⏑ – –́ – –́ ⏑ –́ . – –́ ⏑ –́ –́

نوائی   بانی   نوا   بانی   نوا ئی

این وزن که بشعر اول درخت آسوریك داده شده ممکن است تصادفی باشد ولی هرگاه اشعار زیادی از آن منظومه را بتوانیم بوزن فوق مربوط کنیم طبعاً این فکر برای پیش میآید که بین اشعار درخت آسوریك و وزن مذکور یك نوع قرابت و رابطه‌ای موجود است و اما اشعار **۱۱** هجائی نیز چون جزء همین منظومه میباشند طبعاً باید از حیث محل و تعداد تکیه با اشعار ۱۲ هجائی آن هماهنگی کامل داشته باشند و این درصورتی امکان‌پذیر است که با کسر یکهجا از اول ۱۲ هجائی‌های مذکور بدست آمده باشند ، همچنین اشعار ۱۳ هجائی که اگر در منظومه موجود باشد ناچار هجای اضافی آن مربوط باول شطر دوم خواهد بود .

اینك ذیلا آنقسمت از متن را که بنظر ما وزن آن کمتر مختل شده میآوریم : (۱)

---

(۱)ـ باید یادآور شویم که میزان ما در تشخیص تعداد هجا و کمیت آن تلفظ کلمات است و بنا بر این مواردی از قبیل **wazärganän** را که ظاهراً دارای چهار هجا است چون در تلفظ جای پنج هجا را میگیرد – –́ ⏑ –́ – پنج‌هجا بحساب میآوریم.

همچنین مثلا در ترکیب **mèhan udmän** با اینکه **han** هجای بلند است چون در تلفظ نونش باول کلمه **ud** می‌چسبد بجای هجای کوتاه بکار میرود **mè ha nud män** و وزن آن باین صورت نشان داده میشود . » – ⏑ –́ –́ «

و نظائر این موارد که در ضمن مثالهای آینده موجود است ،

١ - (1)daraxtè rustest tarö sahr(è)asürig ٧+٥ = ١٢
٢ - wargaš nay mänèd (ud)bäraš manèd angür ٧+٥ = ١٢
٣ - (5)geyägröb az̊ man karènd(١)(pad)mèhanudmän ٧+٥ = ١٢
٤ - (11)rasan az̊ man karènd kèt(٢) pay bandénd ٦+٥ = ١١
٥ - (12) (ud)éöb az̊ man karènd két(٣) griv mäzènd ٦+٦ = ١٢
٦ - (15) täbistän säyaghèm pad sar šahrdärän ٧—٥ = ١٢
٧ - (16) širhèm warz̊igarän (٤) äzädmardän ٧+٥ = ١٢
٨ - (17) tabangög az̊ man karènd därögdärän (٥) ٧+٥ = ١٢
٩ - šahr ö šahr (è) barènd biz̊išk ö biz̊išk ٧+٥ = ١٢
١٠ - (18) äšyän hèm murv(٦) (ud) säyag kärdägän ٧+٥ = ١٢
١١ - (19) astag bè abganem pad nög bün rust (٧) ٦+٥ = ١١
١٢ - kad hirzènd mardumag kum bè né winäsènd ٧+٥ = ١٢
١٣ - (20) bašnum zargön est (٨) yad ör ö z̊yäwèd ٧+٥ = ١٢
١٤ - haviż(hèm) mardumag kèš nèst may ud nän ٦+٥ = ١١
١٥ - (21) wäżènd um pad afsän pärsig mardöhm ٦+٥ = ١١
١٦ - (28) yad tü bär äwarè mardöhmän wasänd ٦+٥ = ١١

---

(١) ـ در نسخهٔ هنینك بجای «ke wiräzénd pad»
(٢و٣) ـ در نسخهٔ هنینك «ké tö»
(٤) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «انگوبین» آمده ودر نسخه انگلساریا «دوشاب» واین اختلاف میرساند که کلمهٔ مزبور برای تفسیرو توضیح آمده (؟) ـ در نسخه انگلساریا در اول بجای «شیر» «شکر» دیده میشود که با آن نیز وزن شعر درست است
(٥) در نسخهٔ هنینك بجای ان «داروکدان و سناد» آمده و معنی مختل است (!)
(٦) در نسخه هنینك بجای «مورو» «مورویژگان»
(٧) در نسخه هنینك «روید» ولی درنسخهٔ انگلساریا «رست» آمده
(٨) در نسخه هنینك «است» بعداز کلمهٔ «بشنم»

١٧ - güšnat abar hirzènd (١) èven èègäwän ٧+٥=١٢
١٨ - (٣٠) abèz̊ag Dèn (e) mäzdèsnän(e)èè èa§t (٢) ٦+٥=١١
١٩ - (٣١) yadaz̊man kè buzhèm ya§tan nè sähèd (٣) ٦+٥=١١
٢٠ - (٣٢) èè jiw az̊ man karènd (٤) yazi§n(e) yazdän ٦+٥=١١
٢١ - gö§ urwä yazd(e) harwin èahärpäyän ٦+٥=١١
٢٢ - (٣٣) hawz̊ bär yämag èè pad pu§t därèm ٦+٥=١١
٢٣ - (٣٤) yad az̊ man kè buz hèm kardan nè §ähèd ٦+٥=١١
٢٤ - (٣٥) kamar az̊ man karènd(٥) pad mürvärid ٦+٥=١١
٢٥ - (٣٥) mö̊zag hèm säxtag äzädän(e) wasnäd ٦+٥=١١
٢٦ - angustbän husrögäm §äh hämhirzän ٦+٥=١١
٢٧ - (٣٦) ma§kum karènd(٦) padda§t ud wiyäbän ٦+٥=١١
٢٨ - (٣٧) ma§kiz̊ag az̊ man karènd kè sür(٧) wiräzènd ٧+٥=١٢
٢٩ - (٤٢) ambän az̊ man karènd wäz̊ärgänän(٨) ٦+٥=١١
٣٠ - kè nän ud pust ud(٩) harwin x^{w}ardig ٦+٥=١١
٣١ - käpür ud mu§k syäw ud xaz tuxärig ٦+٥=١١

---

(١) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «pad»

(٢) ـ در نسخهٔ هنینك در آخر کلمه «خوابراوهرمزد» آمده که ظاهراً تفسیری است (؟)

(٣) در نسخهٔ هنینك در آخر کلمه «keè» آمده

(٤) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «اندر» ذکر شده

(٥) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا جمله «kè äzmäyènd» موجود است که بنظر برای توضیح و تفسیر آمده (؟)

(٦) ـ در نسخهٔ هنینگ در اینجا کلمه (äkdän) موجود است که بهمان معنی مشك میباشد (؟)

(٧) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «abar» آمده

(٨) ـ در نسخهٔ هنینك در آخر کلمه «wasnäd» آمده

(٩) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «panir» موجود است

٣٢ – yämag šähwär padmö̊zan kanigän ٦+٥=١١
٣٣ – pad ambän äwarènd(١)ö šahr čé Erän ٦+٥=١١
٣٤ – dä^{n} ud astag tö šowè(٢) ö köy(i) murdän ٧+٥=١٢

در اشعار فوق ملاحظه میشود که با تغییرات جزئی دو وزن ١٢ هجائی و ١١ هجائی بدست آمده‌اند که از حیث محل تکیه و توازن و تعداد تکیه‌ها کاملا یکسانند و هردو وزن در ترانهای امروزهٔ ایران مشهور است:

اما ١٢ هجائیها عبارتند از شماره‌های ١، ٢، ٣، ٦، ٧، ٨، ٩، ١٠، ١٢، ١٣، ١٦، ١٧، ٢٨ که عموماً از حیث کمیت هجا از صورتهای ششگانهٔ زیر خارج نیستند :

١ ـ ⏑ – –̇ – –̇ ⏑ –̇ . – –̇ ⏑ –̇ –̇ = ١، ٣ و ٨
نوانی بانی نوا بانی نوانی
٢ ـ – – –̇ – –̇ – –̇ . – –̇ ⏑ –̇ –̇ = ١، ٦ و١٢
آوانی بانی آوا بانی نوانی
٣ ـ – ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇ . – –̇ ⏑ –̇ –̇ = ٧، ١٠ و ١٦
نی‌نوا بانی نوا بانی نوانی
٤ ـ – ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇ . – –̇ – –̇ –̇ = ٩، ٢٧ و ٣٤
نی‌نوا بانی نوا بانی آوانی
٥ ـ – – –̇ – –̇ ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇ –̇ = ٢ و ١٣
آوانی بانی نوا بانی نوانی
٦ ـ – ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇ . ⏑ –̇ ⏑ –̇ –̇ = ١٧
نی‌نوا بانی نوا بنی نوانی

---

(١) ـ در نسخهٔ هنینك در اینجا کلمه «fraz̊» آمده که شاید برای توضیح و تفسیر است(؟)

(٢) ـ در اینجا در نسخهٔ هنینك کلمهٔ «fraz̊» موجود و ممکن است الحاقی باشد (؟)

و چنانکه می بینیم درتمام آنهـا تعـداد و محل تکیه کاملا یکی است و نمونـهٔ آنها را در ترانهای امروزه میتوان پیدا کرد

اینك چند ترانهٔ محلی که هموزن با اشعار فوق است ذیلا میآوریم :

دشتی :

میرم داری ندم ای کره ناشی miroma dari nedom ai korrnäši
نون اوم اواده میرم تو باشی nümo övom üeda mirom to bâši

شیرازی : **دخترو نون میپزی نونی بما ده**
میون نون پختنت بوسی بما ده

گرمانی : **موردم میش بیرم از سر دونم** moradom miš biyarom az saredünom
آلمانی پس کله‌شون تش زد بجونم älmàni pas kallašün taš zad bejünom

بختیاری : **یك گلی کوشهٔ چمن تازه شکفته**
نه‌دستم بش میرسه نه‌خوش میفته

کرمانشاهی : **یك کلاغو ورسر دیوار ما بی**
او کلاغوور پرید دیوار بجا بی

تهرانی : **دختره دستم و گرفت برد توی دالون**
گفتمش بوسی بده کف برو نادون

چنانکه ملاحظه میشود اشعار فـوق از حـیث محل تکیه و نظـم هجـائی و **محل وقفه بارز** کاملا با اشعار ۱۲ هجائی درخت آسوریك یکی است و ایـن همان ۱۲ هجائی است که با حذف هجای اول آن وزن فهلویات بدست میآیـد بنا بر ایـن نظر **شمس قیس** در المعجم که فهلویات را ناشی ازعروض عرب دانسته(۱) صحیح نیست چنانکه در کتاب دوم بتفصیل از آن سخن خواهیم راند

و اما بقیهٔ اشعار که یازده هجائی میباشند نیز از حیث محل و تعداد تکیه

---

(۱) ـ رك : چاپ تهران ص۱۲۹ الی ۱۳۱

با إشعار ١٢ هجائی منظومه یکی هستند و عموماً از ٥ صورت زیر خارج نمیباشند :

١ ـ − −̇ − −̇ ◡ −̇ − −̇ ◡ −̇ −̇ = ١١ ، ٢٦ ، ٢٩ ، ٣١ و ٣٣
آوا بانی نوا بانی نوانی

٢ ـ ◡ −̇ − −̇ ◡ −̇ − −̇ ◡ −̇ −̇ = ١٤، ١٨، ١٩، ٢٣، ٢٤، ٢٥، ٣٠و٣٢
نوا بانی نوا بانی نوانی

٣ ـ ◡ −̇ − −̇ − −̇ − −̇ ◡ −̇ −̇ = ٤ ، ١٥ و ٢٢
نوا بانی آوا بانی نوانی

٤ ـ ◡ −̇ − −̇ ◡ −̇ ◡ −̇ ◡ −̇ −̇ = ٢٠
نوا بانی نوا بنی نوانی

٥ ـ − −̇ ◡ −̇ ◡ −̇ − −̇ ◡ −̇ −̇ = ٢٧
آوا بنی نوا بانی نوانی

صورتهای فوق هموزن فهلویات امروزه است که در بیشتر نقاط ایران معمول است :

شیرازی : **کنم از تو جدائی که پس از من**
نگی یار بی وفائی فلك ایداد

کرمانی : **دل من های دلمن های دلمن**
بکرمون میبرند آب و گل من

دشتی : **خبر اومد که دشتستون بهاره**
زمین از خون احمد لاله‌زاره

خراسانی : **قرق کردی نییم خانه‌یت مو**
بقربان قد جو دانه‌یت مو

رشتی : **خراسان میروی ما را دعا کن**
اتا دختر داری همراه ما کن

مازندرانی : **الهـــــی بشکیه لنگر کشتی**
نصیب من بوه کیجای رشتی

اما اشعار ١٣ هجائی چون منظومه مختل است نمیتوان بطور قطع معین کرد

که کدام شعرها ۱۳ هجائی هستند ولی در هر حال اگر در منظومه ۱۴ هجائی باشد میباید از حیث تعداد و محل تکیه با اشعار ۱۲ و ۱۱ هجائی هم‌آهنگی داشته باشد و این در صورتی است که هجای اضافی باول شطر دوم افزوده شود تا تغییری در محل تکیه‌ها روی ندهد

ب ـ آثار دیگر پهلوی

غیراز درخت آسوریك آثار دیگری نیز از شعر پهلوی در دست است و از آنجمله دو قطعه را که بتوسط **پرفسور و . ب هنینك** معرفی شده (۱) دراینجا میآوریم

اول قسمتی از سرود الفبائی اشکانی - سرودهای الفبائی اشکانی تماماً مرتب نیست و بتصدیق آقای هنینك فقط از بند « ب » تا «ز» و از « ت » تا « ن » آن بطور کامل باقی مانده.

در مقدمهٔ اشعار چند شعر دیده میشود که وزن آن با متن یکی نیست و چون این قسمت خطاب بمستمعین است میتوان تصور کرد که الحاقی است و نسبت بمحل و موقع فرق میکرده

اما دو قسمت متن شعری است پنج هجائی و یا ده هجائی و اگر آنرا ده هجائی بدانیم شمارهٔ ۵ مصراع دوم از بیتی خواهد بود که در قسمتهای غیرمرتب باقی مانده همچنین شمارهٔ ۹ که مصراع اول از شعری است و مصراع دومش را در قسمتهای چاپ نشده باید جستجو کرد

اینك متن اشعار : شمارههای داخل پرانتز مربوط بهآقای هنینك است :

مقدمه :

۱ – (۱) barädarän anvastän wahigärän wextagän : ٤+۳=۷
۲ – wi̊zidagän ud äzäd puhrän(۲) : ۲+۳=٥
۳ – (۲) gyänän(ud) röšnän wi̊zidgift(i)argäw : ۳+٤=۷
٤ – frəhift estünän ud bäm frazendän : ٥+۲=۷

---

(۱)-رك: مجلهٔ مهر سال هشتم ص ۱۵۱ و ۱۵۲

(۲)-این شماره در نسخهٔ هنینك با این ترتیب است: برادران انوستان ادوهیگران، ویزیدگان وختگان

قسمت اول متن :

٥ ـ (٣) därèd abrang pad bag abdès ٥+٥=١٠
٦ ـ kü bawèd spurr kalän abënang ٥+٥=١٠
(٤) harwin handäm pad rüst darèd ٥+٥=١٠
٧ ـ pad estäwišn ö anjaman rämišn ٥+٥=١٠
(٥) wèxt ud wiz̊id hèd az̊ madyän wasän ٥+٥=١٠
٨ ـ èw az̊ hazärän(١) dö az̊ bèwarän ٥+٥=١٠
(٦) zädag hèd èè z̊irift abrèn ٥+٥=١٠
٩ ـ ud noxzädän èè röz̊ əspuring ٥+٥=١٠

قسمت دوم متن :

١٠ ـ (٧) täbèd röšnift frəhift anöšag ٥+٦=١١
dahèd bäwag ou warz̊igar xèbè
١١ ـ (٨) yudèd pad abrang pad im došambat ٥+٥=١٠
röz̊ äfridəg(٢) abè ästärift
١٢ ـ (٩) kiè kiè az̊ əšmah pad xʷastuwänift ٥+٥=١٠
pad wahèd wandèd ud äfrinèd
١٣ ـ (١٠) läb ud nimastig barèd èwbidän ٥+٥=١٠
hirzèad ästär andüséd gowindag
١٤ ـ (١١) mèhmän röšn(ud) mardohm paštag ٤+٥=٩
pad rämišn ou angün z̊ämèd
١٥ ـ (١٢) niwarèd əškift pad(٣) èaxšäbèd ٥+٤=٩
ud andèšèd pad z̊arf z̊irift

---

(١) ـ در نسخهٔ هنینگ در اینجا کلمه «ud» آمده
(٢) ـ در نسخهٔ هنینگ در اینجا کلمه «èè» آمده
(٣) ـ در نسخهٔ هنینگ در اینجا کلمه «trixt» آمده

اشعار فوق از دو وزن ده هجائی و هفت هجائی خارج نیستند

اشعار ۱۰ هجائی که عبارتند از شماره‌های ۲ ، ٥ ، ٦ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ و ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ و ۱٥ عموماً شطرشان از دوپایهٔ دو هجائی و سه هجائی تشکیل یافته و بیکی از صورتهای زیر است

۱ـ — —̇ . ⌣ — —̇ یا ⌣ —̇ . ⌣ — —̇ یا — —̇ . — — —̇

که هر سه صورت در این شعر ۱۰ هجائی کردی موجود است :

وردار و بنویس سنگ مازارم = — —̇ ⌣ — —̇ . — —̇ — — —̇

شهید عشقی نـــــادن آزارم ⌣ —̇ ⌣ — —̇ . — —̇ . — — —̇

۲ـ — —̇ . ⌣ ⌣ —̇ یا — —̇ . — ⌣ —̇ یا — ⌣ —̇ . — —̇

و نمونهٔ همهٔ آنها در این ترانهای خراسانی موجود است :

آش ز قره = — —̇ . ⌣ ⌣ —̇
هر کی بخوره
دم در میره
هر کی هر کره = — —̇ . — ⌣ —̇
گوشتش بزغله
دمبش جیزغله
هرچی وامانده = — ⌣ —̇ . — —̇
مال آخونده

و اما اشعار هفت هجائی که عبارتند از شماره‌های (۱ ، ۳ و ٤) دو نوعند : درشماره‌های (۱و۳) فاصله بین دوشطر یکهجا است و بدووزن ⌣ —̇ ⌣ —̇ . — — —̇ و ⌣ —̇ ⌣ —̇ . — ⌣ —̇ آمده و در شمارهٔ (٤) فاصلهٔ دو شطر سه هجا و بر وزن — —̇ ⌣ ⌣ —̇ . — —̇ میباشد .

نمونهٔ شمارهٔ(۱) این‌شعر خراسانی : **عرس خانم قر کرده** = ⌣ —̇ ⌣ —̇ . — — . —̇
پوشتشه یکور کرده

نمونهٔ شماره(۳) این ترانهٔ شیرازی : **گلین خانم ناز داره** = ⏑ –̇ ⏑ –̇ . – ⏑ –

مملی سرباز داره
ایوای ممدلی ملی
مفتت باشه ممدلی

نمونهٔ شماره (٤) این شعر تهرانی : **دروازه نگین داره** = – –̇ ⏑ ⏑ –̇ . – –̇

قفل عنبرین داره

دوم ـ قسمتی از متن اندرز در متون پهلوی جاماسب اسانا که شاهنامهٔ پهلوی خوانده میشود و سایر کتب پهلوی بآن تعلق دارد

قطعهٔ مزبور اگر هم محققاً مربوط بعهد ساسانی نباشد حداقل تا مقارن ظهور اسلام زمان انشای آن بالا میرود

این قطعه بقول آقای هنینك مزیتی که بر سایر قطعات شعر پهلوی دارد اینستکه هم مضامین آن از نظر بیان شاعرانه عجیب و شایان دقت است و هم در تمام اشعار و حتی مطلع دارای یك قافیه است (۱) و وزن آن هفت هجائی است با چهار تکیه.

متنی که پرفسور و . ب هنینك آورده بترتیب زیر است که ما آنرا ازنظر وزن مورد بررسی قرار میدهیم :

در شعر یازدهم و دوازدهم در مصراع اول شطر آخر تکرار شده

(o) Därom

١–andarzè az dänägän
az gufi-è pè§ènigän ٤+٣ =٧
٢-(١) ö §mä bè wizärom
pad rästih andar gèhän ٤+٣ =٧

---

(۱) ـ رك : مجلهٔ مهر سال هشتم ص۱۵۲

۳ - agar (az man) padirèd
barèd süd i dö gèhän ٤+٣=٧

٤ - (٢) pad gèti vestäx ma bèd
was ärzög andar gèhän ٤+٤=٨

٥ - gèti pad kas nè hišt hènd
nè küšk ud nè xänumän ٤+٣=٧

٦ - (٣) šädihi pad dil ćè xandèd
ud ćè näzèd gètiyän ٥+٣=٨

٧ - (٤) ćand mardömän did hom
was (ärzög) andar gèhän ٤+٣=٧

٨ - ćand $\overset{w}{\text{x}}$adäyän did hon
mih sardärih abar mardomän ٤+٤=٨

٩ - (٥) awèšän mih wèš mènidär
bè raft hènd andar gèhän ٤+٤=٨

١٠ - avèšän abè räh šud hènd
abäg dard bè raft hènd äsmän ٥+٤=٩

١١ - (٦) harw kè ćün èn did ٣+٣=٦
ćè räy =٣
(١) wastär andar gèhän ٣+٣=٦

١٢ - kä nè därid gèti ٣+٣=٦
pad spanj =٣
ud nè tan pad äsän ٣+٣=٦

درمنظومهٔ فوق نیز یکقسمت شش‌هجائی و قسمتی هفت هجائی و هشت هجائی و یکشعر هم

---

(١) ـ در نسخهٔ هنینگ در اینجا «ka» آمده

نه هجائی است . اما اشعار ٦ هجائی که عبارتند از شماره (۱۱) و شماره (۱۲) چون شطرشان از سه هجای بلند تشکیل یافته « –̇ –̇ –̇ . – ⏑ – » یا « –̇ – –̇ . –̇ ⏑ ⏑ » در واقع جزو شعار هفت هجائی هستند زیرا « –̇ – –̇ » در مقابل « –̇ ⏑ ⏑ –̇ » واقع شده همچنانکه در ترانهای امروزه نیز موجود است و ذیلا خواهیم دید بنا براین اگر از شعر دهم صرف نظر کنیم عموماً منظومه دارای دو وزن ۷ و ۸ هجائی است .

شماره‌های (٤ ، ٦ ، ۸ و ۹) هشت هجائی و بقیه هفت هجائی است اوزان هشت هجائی منظومه عبارتند از – –̇ ⏑ . –̇ – ⏑ ⏑ –̇ » یا – –̇ ⏑ –̇ . – –̇ ⏑ –̇ » یا « – ⏑ ⏑ –̇ . – –̇ ⏑ –̇ » یا « – ⏑ –̇ – –̇ . – – –̇ » یا « ⏑ –̇ ⏑ –̇ . – ⏑ ⏑ –̇ » که عموماً در ترانهای امروزه موجودند مانند این اشعار :

خراسانی : **عنگور باغ عسکری** = – –̇ ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇
از برگ گل نازکتری
کرمانی : **هردم صدای پی‌میاد** = – –̇ ⏑ –̇ ⏑ . –̇ ⏑ –̇
اطیفخانم کی میاد = – ⏑ ⏑ –̇ – –̇ ⏑ –̇
تهرانی : **بازی باآن خنده‌داره** = ⏑ –̇ ⏑ –̇ . –̇ ⏑ ⏑ –
دل مرا دست میاره
خراسانی : **روزمیاکه‌روز آفتابه**
شو میا که شومهتابه = – –̇ ⏑ –̇ . – - - –̇
عزیزم چه‌وقت خوابه

و اما هفت هجائیهای این منظومه از نظر کلی دارای صورتهای زیراست :
– – ⏑ –̇ . –̇ – –̇ و –̇ ⏑ ⏑ –̇ . ⏑ –̇ –̇ و ⏑ –̇ ⏑ –̇ . ⏑ –̇ –̇ و
– –̇ ⏑ –̇ . – ⏑ –̇ و – ⏑ –̇ . – – –̇ و ⏑ ⏑ –̇ . – ⏑ ⏑ –̇ که عموماً در ترانها موجودند وبقسمتی قبلا اشاره شده :

تهرانی : **دستش‌مزن شل میشه** = – –̇ ⏑ –̇ . – ⏑ –̇
کوکش‌مکن‌خل میشه

خراسانی : **فسقلیه فسقلی**

کاراش پنهون پسقلی = – – –̇ ⏑ –̇ – ⏑ –̇
گر به‌مندیلش به‌بست = – ⏑ –̇ . –̇ ⏑ ⏑ –̇
پیش قاضی بنشست
قاضی جان عرضی [illegible]
دل پور دردی‌درم ⏑ ⏑ –̇ . –̇ ⏑ ⏑ –̇
شوهرم زن کرده – ⏑ –̇ . – – –̇
پوشتشه‌از من کرده

۳ ـ آثار تورفان

آثاری که از تورفان بدست آمده عموماً شعر است و مربوط بمانویان میباشد ولی هنوز قسمت عمدهٔ این آثار در دست مطالعه است و در آینده باید دربارهٔ آنها قضاوت شود.

در اینجا سه قطعه‌را که بآن دسترسی داشتم میآورم

قطعه اول سرودی است ۱۳ هجائی در وصف درخت که ظاهراً بایدداراى شش تکیه باشد و به‌نسبت ۷و۶ تقسیم شده . و شعر آخر آن پنج هجائی است که‌در واقع میتوان آنرا تکرار شطر نامید

۱ ـ x̋oraxşèt(i) röşan ud pürmähè boräzäg ۷+۶ = ۱۳
–̇ –̇ ⏑ ⏑ –̇ – . –̇ – –̇ ⏑ ⏑ –̇ –
۲ ـ rüzênd udbräz̊ènd az tanwäry(i) üy ۷+۵ = ۱۲
–̇ ⏑ ⏑ –̇ – . –̇ – –̇ ⏑ – –̇ –
۳ ـ murwän(è) bämiwän(i) üy waz̊ènd şädihä ۷+۶ = ۱۳
– – ⏑ (⏑) – – . – – – ⏑ ⏑ – –
٤ ـ waz̊ènd kabütar ud farşah ud murwè wasp ۷+۶ = ۱۳
٥ ـ soräyènd ud äwäz̊énd .... kanigän ۷+۶ = ۱۳(؟)

٦- **bèstäyènd (hamäg)** ۲+۳=۵

tanwäry(è) üy ۲+۳=۵

شمارهٔاول وسوم وچهارم تقریباً دارای‌این وزن است : —̇ ⏑ ⏑ —̇ — —̇

بانی بنوا آوا

—̇ —̇ ⏑ ⏑ —̇ — وشمارهٔ دوم نیز عیناً هموزن آنها است و فقط هجای آخر آن

بانی بنوا نی

حذف شده :

— —̇ ⏑ ⏑ —̇ —́ —̇ : — —̇ . ⏑ ⏑ —̇

بانی بنوا آوا بانی بنوا

و اما شمارهٔ پنجم چون از وسط افتاده دارد نمیتوان وزن آنرا تعیین کرد ولی شطر اول که کامل است عیناً باشطر اول اشعار فوق یکسان میباشد وبنا براین میتوان احتمال داد که آن نیز دارای همان وزن بوده

شعر ششم یك پنج‌هجائی‌است بوزن — —̇ — ⏑ —̇ یا — —̇ . ⏑ ⏑ —̇ که نمونهٔ آن در سابق ذکر شد .

هموزن شماره‌های (۱و۳و٤و۵) را تقریبا میتوان قسمت اول این ترانه که در بازی خراسانی خوانده میشود نام برد :

کاکا خرکم بیکی من‌مرد شرابی = — —̇ ⏑ ⏑ —̇ — —̇ . — —̇ ⏑ ⏑ —̇ —̇
تومرد چکارانی من مرد کبابی
پائین شی شرابی
سوار شو کبابی

توجه بدو شطر ترانهٔ فوق نشان میدهد که این وزن از تکرار یك هفت هجائی « —̇ — —̇ ⏑ ⏑ —̇ — » بدست آمده و هجای آخر آنرا حذف کرده‌اند :

مثلا این هفت هجائی تهرانی را : محصول کنه شاتوت = — —̇ ⏑ ⏑ —̇ . — —̇

مال وطنه شاتوت

اگر دنبال هم بخوانیم باحذف هجای آخر :

محصول کنه شاتوت مال وطنه شا

–̇ –̇ ⏑ ⏑ –̇ – . –̇ – –̇ ⏑ ⏑ –̇ –

وزن ۱۳ هجائی فوق حاصل میشود که در شماره‌های ۱و۳و٤و٥) بکار رفته واگر دو هجا حذف کنیم :

محصول کنه شاتوت مال وطنه

–̇ ⏑ ⏑ –̇ – . –̇ – –̇ ⏑ ⏑ –̇ –

وزن شماره (۲) حاصل میشود که عیناً در رباعی بکار میرود بنا بر این بنظر من منشاء وزن رباعی همین قطعه است و هیچ ربطی بعروض عرب ندارد چنانکه در کتاب دوم بتفصیل در این باره بحث خواهد شد .

و اما هفت هجائی مذکور در تمام نقاط ایران مخصوصاً خراسان زیاد رواج دارد چنانکه امثلهٔ آن گذشت .

قطعه دوم که بنام « آفرین فرشتگان » خوانده شده است از حیث وزن بسه قسمت میشود :قسمت اول هشت هجائی است (بهنسبت ٤ و ٤) با چهار تکیه وقسمت دوم یکشعر پنج هجائی میباشد با دوتکیه وقسمت سوم یکمصراع هفت هجائی که شطر پنج هجائی آن تکرار شده

۱ - äprèwän(i) prestagän
prestagän(i) röšnän
٤+٤=٨

۲ - bagän(i) tahmän(۱)
mehr(i) sedandän
۲+۳=٥

۳ - stäwadän hayärän
(é)zürmandän
٤+۳=۷

اوزان قطعه فوق در ترانهای امروزه موجود است

---

(۱) - درمتن در اینجا کلمه « ud » آمده

نمونهٔ وزن شماره ۱

تهرانی : **میخوام برم تی آفتابه** = ‿ –́ ‿ –́ . ‿ –́ ‿ –́

لولش باریکه آفتابه

نمونه (۲و۳) جدا جدا در قسمتهای گذشته ذکر شد واین نوع ترکیب هنوز هم در ترانه‌های خراسان موجود است

(۲)لی لی حوضك

دسمال چوزك = –́ ‿ ‿ –́ –́

(۳)توتو امد آب بخوره = ‿ –́ ‿ –́ . –́ ‿ ‿ –́

افتاد تو حوضك

قطعه سوم شعری است که بوسیله پرفسور هنینك بنقل از schaeder معرفی شده (۱) و بنظر ما از حیث وزن بچند قسمت میشود و مانند بیشتر آثار تورفان یکنوع سرودی است که با آهنك مخصوص خوانده میشده

قسمت اول شامل سه مصراع هفت هجائی با چهار تکیه :

۱ - wad(è) anöšag $\overset{w}{x}$ašboy
۲ - parwazèd au bagän ad ٤ + ٣ = ٧
۳ - zamig ud daraxtän

قسمت دوم : یك شعر هفت هجائی با سه تکیه :

٤ - èašmag röšnin(i) dä-
٥ - -lügän äfridagän ٢ + ٥ = ٧

قسمت سوم - ٥ مصراع: سه تا پنج هجائی باسه تکیه « ودوهفت هجائی باچهار تکیه » که یك درمیان آمده و بمصراع پنج هجائی شروع میشود :

٦ - köpän(è) nisäg ٢ + ٣ = ٥
٧ - wayä waräg ud bag èihr ٤ + ٣ = ٧

---

(۱) - رك : مجله مهر سال هشتم ص ۱۵۰

٨ - radnin(è) äräm ٢+٣=٥
٩ - ᵓsparhmäwènd wayag ٤+٣=٧
١٠ - §ahrän anäsäg ٢+٣=٥

قسمت چهارم سه مصراع هفت هجائی است با چهار تکیه :

١١ - män män ud gäh gäh
١٢ - täw sazèd argäwift ٣+٤=٧
١٣ - §ahrdàrän(è) masi§t

قسمت پنجم یکشعر هفت هجائی هموزن هفت هجائی قسمت اول :

١٤ - namäz ud stäwi§n
٤+٣=٧
١٥ - ou már Mani xʷa§näm

قسمت ششم ـ یکشعر ١١ هجائی با شش تکیه که در وسط دومصراع آن شطر پنج هجائی تکرار شده :

١٦ - äfrid äfrid pad nawäg(è) röz̊ (١) ٦+٥=١١
١٧ - ou mär Zagö ٢+٣=٥
١٨ - amöz̊ag ad hᵃmäg räm rö§in ٦+٥=١١

هموزن شماره‌های ١ر٢ر٣ر٦ر٧ر٨ر٩ر١٠ر١١ر١٢ر١٣ر١٤ر١٥و١٧ در امثلهٔ سابق گذشت و اما نمونهٔ شماره « ٤و٥ » این ترانهٔ تهرانی :

بشکن مـــن نمیشکنم = – – . – ⏑ ⏓ ⏑ ⏓
میخوام‌همین‌جا بشکنم

و هموزن شمارهٔ ١٦ و ١٨ این ترانهٔ خراسانی :

to ke mexai bèi sombesou madeh توکه مخی بیی سمب سومده
názmakon 8er mariz abrü tou madeh نازمکن قر مریز ابرو تو مده

---

(١) ـ درمتن هنینك دراینجا کلمه «wuzarg» موجود است

خلاصه و تتمیم

از آنچه در این بخش راجع بترانهای قبل از اسلام آوردیم نتائج کلی زیر حاصل میشود

اول - ترانهای قدیم مانند ترانهای امروزه وزن‌شان بر مبنای تعداد هجا و تساوی و توازن تکیه ها بوده و اگر فرقی با ترانهای امروزه داشته باشند صرفاً از نظر کمیت هجا وتوازن آن است که ترانهای فعلی تاحدی نسبت بقدیم از حیث‌توازن حروف آراسته‌تر بنظر میآیند و این تنها تاثیری است که از نفوذ عروض عرب در ایران پیدا شده

دوم -در ترانهای پهلوی کوتاهتر از ٤هجائی و بلندتر از۱۳ هجائی وجود ندارد و از حیث نسبت‌شطرها کاملا با ترانهای امروزه یکسانند :

سوم - در آثار پهلوی اشعار ۱٤و۱٥و۱٦ هجائی موجود نیست و چنین نتیجه میگیریم که از عهد پشتها به بعد تغییر اساسی در وزن ترانها روی نداده واوزان بلندتر از ۱۳ هجائی مطلوب نبوده

چهارم - هماهنگی ترانهای عهد ساسانی با ترانهای امروزه بما اجازه میدهد که اشعار پهلوی را از حیث قواعد وزن تا حد زیادی همانند ترانهای امروزه فرض کنیم و تا خلاف آن ثابت نشود این حکم بقوت خود باقی‌است بنا براین‌قواعدی که در بخش اول راجع بترانهای محلی گفته شد شامل ترانهای پهلوی نیز میباشد

پنجم - این هماهنگی نشان‌میدهد که ترانهای محلی که میراث قدیم ایرانست ربطی بعروض عرب ندارد و باید کاملا جمع آوری شود زیرا چنانکه در قسمت دوم خواهیم دید این ترانها مستقیماً در اوزان شعر فارسی اثربخشیده‌اند و بنابراین ادعای کسانیکه میگویند تمام عروض فارسی از عرب است صحیح نیست .

در خاتمه با توجه باینکه ممکن است در روش خود دچار اشتباهاتی شده باشم از خوانندگان محترم انتظار دارم که بانظرانتقاد باین اثر بنگرند وموارد اشتباهات مرا یادآور شوند تا در آینده باصلاح آن بکوشم